50 *	اول اصلاح اقتصادى	شیاره ۱۱۱	سال اول
۵۲ ذیدجة الحرا، ۱۲۴۹ (۹) اوت ۱۹۲۳	۵ شنبه ۱۷ اسد ۱۳۰۲		
این روز اسامه: بدون النامان کتبی بسرای کسی ارسال نهبشود.	صاحب امتياز و مدير مسئول ؛ داور		
ي المراجع المتر اك : (المراجع المتراك : (المراجع المتراك) (الم	قیمت اعــــــلانات منحه اول سطری ۱ قرآن سفحه دوم و سوم ۲ م منحه جهارم ۲		
المعالية المعالية المعالية المعالية المعالمة المعالية المعالية المعالية المعالية المعالية المعالية المعالية الم		ا قران	صفحه اول سطری مفحه دوم و سوم مفحه جهارم ه
داخله ۲۰۰۰ قران ۹۰ قران ۳۰ قران ۲۰۰ قران . خارجه بملاوه اجرت پست			سهمه دوم و سوم
مرید می مرید م مرید مرید می مر		ار ـ كوجه المحادية	محل اداره : طهران خبابان لأله ز
راجع بحركت والاحضوت	و چهار میلیارد می باشد – یعنی سی برابر قبل از جنك از طرف دیكر ذخیره طلای	یرای اینکه مطائن باشید بی مطالمــه نبی کوابم اسامیشآن را می تویسیم :	ی کا د داشت یومنیه
المراجع الم قدر قدرت بالمكان اعلمهحضرت اله س جابون شاهنهاهی روحنا	المان کامند در است . است	ال الم الم الم الم الم الم الم	A when the start of the start o
فداه زوز يكتنبه ببستم برج أسد جارى يندكان والاحضرت اذس ولينهد داست عظمته	. بایدتذکرداد که اساسام مقداراسگاس	شر آت بادکوره	مخالفت ما باشركنى كه مبخواهد امتياز
برای حرصکت بهتر فرمان فرمانی آذر بابجان بباغ اقای سردار محتشم نقل مکان می	چاپ و منتشر می شود بابستی در مقابل دو	بحرخزر ويجر النتود مستوراغاني	انت وك ولايت شيالى والمحصوس بخوداند
فرمايند .	ثلث طلاذخيره دانىقە باتىند . وفتى اين،سېت	شرکت افت می اراماد می	ضدیت شخصی بابؤسس آن ایست .
امر. اعلان ۱۲۵	رعایت نشد فیمت اسکماس نیزل می کند 🗧	مانچاف می اندانی مانچان مانچاف	برعکس مایه مؤسس آن کاملا عقیده داریم - اکر در بین مقمولین ایران مثل
	وقق هم ابن انزل حاصل شد حالت اقتصادی مُمَلَّكُت و خَبَمَ مَبِشُودُ رَفَتُه رَفَتُه وَوَجَبَاتُ	وحرخزر انت روس	ابشان سد اندر مرد قوى الأرادة بأكدي
لى قى محمى الله فى مراب منبط كرد. الدك در مدت محمى الله الله في المحمى الله الله الله الله الله الله الله الل	ور شکستکی فراهم می آید .	بنكن درف مجلف وااريف	داشتيم علكت ما دوجار ابن همه قار وادبار
جکراه طبرق عامی منتشبن را قادر بهکف خالبا آن عکس ها را با عکس انکمت مظنون	آلمان امروز در ابن حال است . با	لبالوزف وقفقاز	لمي شد .
می سازد می سازد می مایند و مای را شناختن که سایند ا	ابن حال ممثله غرامات و ترميم تواحق ويران	م رزا اف	علت مخالفت ما آن كداً طبقه و
جنائي دارد بكياست. زيرا هيجوقت ترات		ی لواف قاقساز می مرو و لکا قاقساز می مورو	حدىكة چند سال است در ايران و لوله الداخته آلمة ابست:
در، قاله ديروز آهلېم که چون اثرات انکنت انکشت دو نفر شيبه بهم نېستند.	فرالسه دواق است که پش از سایر	اسدادة اف 🖉 🖉	الداخلة والمم المنت . 44 - ما باملدولين طرفيت الداريم و
شخص واحد یا اشخاص مختلف – و قتی که مربع بخشی از دزدان مام – برای این که مگرر پر روی چیزی قرار گرفتند – داخل اثری از انکشتانخود باتی نگذارند مادستک	میالک در جنگ عمومی دوجارخمارت شد.	فرا كبف	الديديم كسي شرمابه اك بهترود خلم ينارت
مکرر پر روی چینری قرار کرفتند – داخل اثری از انکشتانخود باقی نگذارند بادستکش ایکدیکر میشوند-امیز آنها-هم مشکل میکرددی: به دزدی مپروند ، ادیمی استکه هم سارتی	زیراکه در خاك فرانسه جنك واقع شد . بهمین جهت از وجومی که المان تادیه می	البنه بس ازخواندن متعرقه البنت	کری و جنایت کاریش اسیدهیم .
دکتر (لوکارد) راه حل پیدا کر ده آمی اواند میآدرت این کار کند زیرا درموقع	اند قست اطم باید افراشه برسد .	و شق شركت الله المقابة لله الكرده	بعيده ما جرء املم خرابى كار ايران
بك ذره بين قوى در دست بكرية ، طرف ارتكاب با غلب جنايلت _دستكتى من احداست.	جون در ابلدای جنگ در ۹۱۶ (-	ایم ۲ ۱۰۰۰ این ما شرکت های عقده بادکروبه	تاعی از گلویش غاطر سرمایه دار است · ما به ماهی معاد است ·
درونی انگشت خود را ملاحظه منبد . جه بسی ازاهل من بقدری در آردندا ارات	بازبك هم مبدان كار زار بود ـ خدار آت	بوداد کا اولی آنها اے بدل کے سالی شعبت	المغروطةلغد، بوديتراراب تروت از ايرس تمدي دوات دارائي خود را ينهسان
می از در کا من اگر کسی بسا	لمایادی هم نیز الله آن مماکت وارد	و ينج مېليون و قېمند مڼار يود و کوچکټر	ور مرج مروف مرج و مرج مروف
اطاوط ، توازیه که در مقاله قبل شرحش دستکن همدودی کرده بساند می نوانند اورا داده شد . قدری دقت کنید : در میا ن مضاسند .	. 	از همه خان - آخرى - سالباله سهرور	بازانهم او ترميحسه مردم و توقسات بي
Contraction of the second	اکنون چند له است قدون فرانسه و	پود افت استخراج م کرد .	CARLES AND
ا م ا م بير ا م المعالية المعالية المعالية المعالية المحافظ (الوقارد) سارق راء كمعاشي داده المعالية المعالية	بلؤبلك فاخل ناحيه ووهر شده آاجبا را	دوراین شرکت مای بزرك هدمزیادی	قلما اگر بينورميم ايران از نلا ت
حال با عمان قره بین انکنت شخص دیگری انگر مماره تاجری که مورد سرمت واقع	تصرف كرده أأد . ابن اشنال بموجب هدد	شرکت کوچک و اشغاس متفرقه بودند که	جل پیر بیرد اید شرمایه داررا آموده
	الله ورسای آست که می کوبند در ۱۳ می است ۱۳ می از ا	چون احمانیهٔ جامع آنها را اداریم هیچدی کران	کلافت که سیل است الحویق کرد . با این حال پس علت مخالفت مابختردن
ها ر طرز قرار کرفتن آلها ۔ بز راد و محمد کوچی آنها پکار با مالشما نداید وقتی که اثرات انگشت در تلطه خبلی	مورکی که آلمان مامحه در پرداخت غرائلت کند متفقین حق دارند برای ونیقه	کولیم . وق - بعیمی است — مرکدام از	المعياز المربكاولابت إيك شركت ابراني
دار د · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	عربات المد معمين عن دارد براي وايمه ووهر را اصرف تعايند · بما يراين / اقدام	آن شرکت های کوچك و حق افرادمتنرفه	العبيلية والمحافظة المرادية والمالية
همين طور اكر به انكشت اشعام .ختلف اكر مو سسة ميلي مذ مربع اذ أثرات	آرانسه و بازیك مدروع و ملابق بار آب	هر سال مبالغ كزاق أز وإه اسلخراج نفت	الما در قر کلمه میدود کنط : برایاین
اكا. كنيد ملاحظه خواهيد كرد كه ابن الكنت طارق را يبدأ كنند يطور حقم أورا	است - منتها موقة بی در این ام حاســل	فيده ميبردند والمحافظ والمحافظ	گدېك، شركت است .
· سوراخ ها در من کسی به تر تب وطرز شناخته و دستکیر خواهند کرد .	الشده وبر عکس موجب لازل قبمت مارک و	در این جا یک سؤال می کنیم که	مامیکوئیم البله باید آتای حامی مین المصار اراده و کرد ارترازه مادان
محصوصی است · البته با بدبا دفت تغار کنبد ـ محصوصی است · البته با بدبا دفت تغار کنبد ـ محل اعتماد و اطمینان است که نهایم جنائی و الا حدی دستگر آن اخدادد شد ما	کم شدن اعتبارات آلیان کشته و اُز ابن را.	يعقبهم ما هيچ مانع شرعى تدارد : جرا دولت ووس امتياز استخراج نفت	الهجار را تشویق گرد و آمتهازی بایشان و شرکانیان داد. ولی دادن حق استخراج
	قوه پرداخت آن عالمت وا یمرانب ضعف قراز شابق کرده است · اکنون من زوزکه	بادگوبه را به یك شركت واحد آماد	لهت يله ولايت المم را بهمين بك در أ.
دقت که لکاه کردید درهر، بلی متر مریسم - به ی در مراهسلجا تی - جهل سور اخ - به ی در مراهسلجا تی - جهل سور اخ	الرار شابق درده است ۲۰ اکنون من زوره می کذرد از قوم نادیه غمامات آلمادکاسته	سربابه دار پېدا نگره، پود ؛ بندل	دادگ جرا آ
الموادية بالمراجعة في محمد المراجع المول من إورجاني كشخوص دادند بدون نامل	مى نود	باندازه آقاى حاجى ممين اللجار شرمايه نقدى	مار سرمایه دار ایرانی منحصر ایمین
سوراخ هادوه، بلي ، تربه بكسد و دميما لم المحدوم مبكند .	همه أز خود مى پرسند جاًو له إين		جد الدر است ۱
میکردد از مین سوراخ ها است که عدرق	•س ^ت اہ حل خواہد شد ·	اکر ایجاد این همه شرکت حکمتی	و انامی مکر در عالم زرشند سبرده ابه که همیر وقت مك دوجان ایشتر ساحب

ماله حل خواهد شد . أسمدبق أعلم میکردد ازمین سوراخ ها است که عمرق انسان خارخ میشود . اشتال تاحيه ووهر ، پرخلاف تطق اخبار شهرمی خلاصه ـ آبن سوراخ هاو خطوط. خص های رسمی زمامداران پلژ،ك و فرالسه .. تميزافراديشرهستند ، حال فرض كنيد دودى فوايدى براى ابن دو علكت تدانت بلكه داخل خانه ای شد و اشبانی دودید يمكس مخارج أكاهداشتن فدون رأهم بإيداز الأهبأت وزراء جبب خرد بدهلد . اولين وظيفه متخصصين ٢. بنات اين أست امروز جلمه وزراء عظام دوساحب از طرف دیکر انتال روه باعث والحبدکی بکرداد و اثرات انکنت دود مواروی میز -قرانبه تشكبلي خواهد يافت دراب شدی عوراند بدن اسابل عمومی و بهم خوردن اوضاع آلمان شده ، الرابيات الدرق-دولابجه - شبقه و ساكر اليا بهاي اقتصادی آن را دوچار وقنه کرده است . روز كذشته عموم دكاكبن يسته و كسبه مازل يبدأ كالد والد يعنى أرقات الدخاص ابن اثرات قدری مشکل است 🖉 ی کسی که بیش از همه از این رامتشرر عموما المطل نموده بودنداجاعد ومسجدت المغوق العادة يود مبشود ألكايس است كه منافع تجارتي عمده آن وقت الوان مغصوسي بأيد استعمالكرد مار بر اور در دورود در آلمان دار . ا ال آثار الكثت ظاهم شود 👘 🗇 🗠 از قرار اطلاعی که تذکرآنا بدر کز بابن جهت روايط قرائسه وأنكلبس . در لایرالوارهر شهری عکس خطرط و ثنب الكنت جنابت كارهائي صحه دستكم شده جندان خوش ایست و ممکن است بجاهای وسبده است كقايان علماء ورود بهمسدان امودة روز كذشنه كمام دكاكين وبازاروا شطبل ازد موجوداست و بطوری این عکمی ها را نازك يكشد .

77 6 أَبِم كَهُ هَبِج وَمْتَ بِكُ فَوَجَبَنَ إِبْشَتْر صَاحَبُ داشته خوب إست سمى كمنهم شايد ماهدم مايه در إران ميدا لمؤد ! 👘 أنرا يفهميم الأرجي المحافظين واست است امروز ادباب تروت م ممدوداتد دولت روس را پنویسیم ۲ ولى دە تىال بىد خطور ؟ بېمتىسال د كسر حدة ا هديشه ايران كدا خانه مي مالد ا الد ؟ اكر قبول داريد كه غير از أقايان مؤسس اينشركت مردمان صاحب مايديكرى هم در همين ايران امروز همتند - يجه امروز دم كرورمارك كاغذ بك أتره انكلسي دابل حق التفاعاز نفت بك ولايت برطول قیمت دارد ا به عبارت دیگر قیمت مارك و عرض والمخصوص بابن شرکت می کنید؟ ديكران بچه كناء بايد محروم بمانند ا دویست و پنجاه هزار مرابه تنزل کرده میدانید در فضای تنك بادكریه كار يعلى المربعا به صفر رسبده است. مقدارا مکامی که در خربان استشفت الات اجددركت مهم إردا والمراجع المراجع

أجازه مدهبد أبن دفعه حكمت كار

سامت درخارجه

(دوهر) وترمينات

داور

the water

ها. بدرتك بكنفرمهندس ببارهلندى موسوم يه (وان دوكن) براى مطا لمه وضعبت سد احواز و آیبادی میستان بایران آورده و معار اليه پس از مطالبه راپرت منصل از اط لعات خود راجع به طرز علمی مهندسی و سد بندی رود کارون در عهد ساسا نیان و طرز آباری مربستان بدولت داده بك السعفة أزابن رابرت در ارشيو سلطالي موجود است ملمنى است سوادى إزان براى يبدرفت اداره احصبائيه اين وزار اخماله ارسال خرک

اقای شریعتددار کرمانی در بومشنبه ۲۲ فهر جاری بطرف کرمان حرکت واهند المود •

إحبار واحلير

ازاع دو سر مال مردم علات - التخابات يلوككم بواسطه لرسيدن مارچ اودیف شده بود دوروز استحکومت الظار را حاضر المودء مشغول لمين بكي دو اعلان منتقر قتده عدة از اهالى از حكومت ظنين مايس بيه كنف آراء و خابسة كار العخابات فرودن حكرمت حاليه نبستند للكراة علماء بدروش داشته إند جند روز قبل حكومت یلی مملی را خانمه داده از حاجی وضاهفت نوبان قيض و ميلني نقد يدوان ده يك و ده لیم دریافت میدارد مامور حکومت پر ای وسول قيش به ده بالارفته بين ماجي مزبور وماموردر فزديكي اداره ماليه كفتكوميشود رئيس البه از موضوع مطلع قبض را از مامور آرفته از جاجی در یافت و بایت مایدات حکومت قبش جایی مادر و بقبه وجسه در یانی را يوسيله رقمه رسمي از حكومت مطاليه ميكند حكومت نبز جدأ از حاجى مطالبه وجدرا مینماید بابن علت کدور می بین حکو مت و اداره ماليه حاصل شده المنابة المابات

قزوبن - عمل انتخابات هنوز معوق است جند روز قبل منعشر شد کم اعضاء الجنن

الطار حاضر شده أند اقدام تموده أنتلخابات وأخالمه يدهند ولىدر أين جدد روزاقداماتي المودة أقد ازقر ارى كه ميكويند محتمل است از دهه فأغورا شروع واقدام تمايندو. یجند روز است که ناایا خپلی <u>ب</u>دو ا جنس است

مفتش جديد

ينكي المم - مفتش جديد إنتيغابات دبروز قبل از ظهر وارد مساین اباد و یك نفر احد ابادی كه تمرفه زیاری در الفلس بود آشف وجند شلاق مبزاند ا.جد الملطان مفتش سابق حم ديدب الومييل بطرف مركز حركت لمود حكومت ساوجيلاغ واعضاء انحومن امروز ذو فشند همتند كه اخذ أراء أنجأ راً اا فردا خالمه دهند و مراجعت بكردان خواهند المود كم أستسقراج اراء زا شروع امايند .

تلكرافات از كرمان مقام محترم وزارت جليله دالحله كبه مرد أزاد جرائد إواخز ذيقعده واصل و أخبار . المكر فات مجمول و علو از اكاذيب واجع يسوء جريان انعخابات مرمان و قعمهل وكلاى بزور سرايزه إمردم وفشار و مداخله خودم را در أاللخابات حق عجر كودكانه و مفرخانه وز المة أمدٍ را در اللخاب آتاي عظيمي خوالدم ای کان پرسش در کارمیبود که ماین است و دروغ فرقی گذارد. میشد وجون . طرف أنوزارت جلبله باوجود رايورتهاى فصل إلدة مجمو لات مند رجه در جر ايد تكذبب فقده است لهذا خسود رأ مكلف مِتَكَذَبِ مَبدالهم كَ سوء تفاهى دو اذهان حاصل لمعود أولا أساساً يتعم سر ايزه الدارة کم الرایرای انتخاب این و آن استعمال تمایم ثاليا الزا بدركمكرل انجمن تفارت ااحال التخابات كرمان كاءلا ما يق قوانين علكي بوده و من كن مدمى خلافست خويست از شكابت فلن كمممو لاحاكي أز ليودن مدرك است صرف الغار كرده مواد شكابات خود را سريحا بيان كنو الله بنده يكفر كالديد اي شخص إراى وكالت كرمان در نشار مداشته وتدارم

محرماني آزاد مستند جنانك اللخباب مدن أقابان امف الممالك و آقا شيخور جاله شهر حاكى از هدين حقيقت است ولة جه قطى المتخابات كرمان أين اطاب وارقطما ابت خواهد نمود رايما ينده نهابت وطرفي را دو إلتخابات داشته ولى خود وا مكلف جراء وظايف قالوني خود بعني جلو كبرى دسایس و حملات بعضی در اللمخابات بدائم واجراء اين وظيفه مستلزم عدمرضايت دسیسهکندکان و عنساصویست که بر حسب دت ميخو آهند بقوم داغتن حکومت های جزء كرمان باز مقسامات بارلماني را غصب اللد خامسا كذانتين اسم اوباش و اشرار روی آزادی خواهان از طرف مراجبهن و نسبت امدستی با آنها بمامورین محلی چیز آبازه ابست و مطريق اين اصل المام أهالى كرمان استثناء عد. قابل إشرار و أوباش بود. بند. هم از طرف دوات ما.ور حفظ مضالع و سَر پرسی آنها هستم سادسا مختصر، راجع بامضاء شکایت کندکان امہوز که دیسروز اظهار رضايت مبكردند بقدو بمنابت مقبقت إمررا مكمدوف كرده و محلاج بتوضيح نده ليت ٢٠٠٠ ۲۲ اسد ندره ۷٤۵۷ مودار مظم

و مرادم کر مان در التخاب وکلر ی

👘 اخبار خارجه · · · · · · · · زور) و غرامات - للدن ¥ - ترون منكام محه رضاع اروبا درمجلي اعيان مطرح مذاكره ود جنين اظهار داهت : من مناسقم أز ابن كه مدلول جواب های دواتین فرانسه و پاژیك پداد داشت ات أنكابس براى أن كم ملنقين بأد -اشق ملعقا ودوات آليان بدهند مكنى تني در جواب های مزبوره ایدا اظهاری عده است که بموجب آن بثوان امیدوار ك قضيه (روم) با مسله غرامت بزودى خل و تصفيه آردد عقبده دولت بر آن است که بای لجوكان بأبستي قضاباي ممرقسه حل شود و

شماره ۱۱۱

سوم راپرت سند ماهه رثبس كل مالبه أبران بقيه بازشماره ف

۱ - کاسپس مجمعی بوای کمنی در کندراکها نا در مقاد کلیه قرار داد حای بیتنهادی طرفا ، و بدون ملاحظه غوررسي امايند . تنبعه عمامات مجميع مزيدو ر ابن بو د ، اسلاحات قابِل الوجهي در كنارااها از نقطة النار حفظ منافع دوات منظور شده است ب - اشکمبل ایک کمپسیون رسیده کی که عمل تصفیه دعاری و شکایات را در سوراتیکم فلب انها إز جندين سال ياين طرف معلق ولابتحل يود. آند تسريع تدوده است ت-الا سبس شعبه الحصياداري ولايتي كه كليه مسائل راجع يوسول ماليات را . يك نقطه إمر كز داده لتابيح حسنه از خبت اجرائيات و شرعت عمل ذو جمع آورى ماليات وحفيده إست 🖉 المراجع ث - تاسیس شعبه خسزانه داری ولایتی ، ایس موسسه از امین مالبه و محاسب الحصيل دار راجع إماليات هأى وصولى سلب اختار المؤدم برداخت آنرا بعزاله داری کل که بر طبق نظامات خزانه داری احت نامین می نماید . بکی از وظ ف .وسه مزبود آیز این است که نظارت تام و اؤثری دو کلیه تادیه ما داشته تکذارد پرداخت جهی سووت پذیر کردد مگر از وجوسات خرانه داری کل ، خرزانه داری ولایتی و تحصدل قار هاى بلوكات يا اينكه راجع بمسائل محلى تخت امرامناء ما لبه مي باشند مع ذ لك معنوعند إز أبن كه در خدود ككاليف وسول و أيصال وجوه كعليما بي راكه معنا الم الظامات خزاله دارى كل باشد إطاعت أمايند ا

يواسطه ابن تشكيلات كا يكار إنداخته المد المن البين طالبه و محاسب وكمصيل دار و خزانه دار عموماً نسبت به یکدیکر ناظر و منتش مماملات نقدی خواهندبود تعتيشات دماوند بر أثر شکايات راجع بمداخله درانتخايات کندي برعايلي پلو کت و ظهود عدَّم المانت "جهار فقره نفتيش جدا كانه در دماونديسل ا هده و حالج به كنير قربيا كاره مادورين محل شده است الفصال امين ماليه معل ميلي بر تابجه ابن الفيشات تيوده بلکه جون مشار الیه بد ازبرج میزان ۱۲۹۹ داخل در خدمت شده بود بسیر حسب قسانون أستخدام النصال او جورت كرفته است

شهريار دو نقره المتبش که بکی از کان ما منوز در حال جريان است فرشهريا بشل آمد. رابورت مكمل هاوز نرسيد. ولى الحل باخباري كه قيلا بدست آمدنجنين سلوم،بشود که ندیرات متمددی در پرسال آن جا لازم خواهد شد عجالته دوفتر اندیرمونتا پسل آهده ول محتاج به کسمبم قطن ويباند ا أو جبلاغ در أين بلوك غلينات يتو سط دو أنر از امضاء و دوند أز منلتين ايالي طهران تحديجه شكالمت راجم بمداخله ادين ماليهو ساير أجزاء در أس التحايات سورت كرفتد هيج كدام از رايورت هاى مغلمين فرق الذكر برهاني براى بمال عدن انهام مداخلات سَياسی ابين ماليه مشاهده أن شود الحقبقات برای يك ممتله مهمی راجع باداره كمردن خاصجات در جريان ممه باشد ولى هنوز التيجه بدست المامده

ووامين از تنتيداني كه يتوسط سه نفر از اعضاء دراين بلوك مدمسلوم مبشوم أموه آ جا روی هم رفته رشاید پختن میباشد آمین مالیه یا پیغواهش خودش از مساهوریت نجا فارغ و برأى تعدى وظيفه دېگرى لمين كرديد. است خواردو فقره نفتيس يواسطه دور نفر أزاعضاء در ابن محل كا حال المجام كرفته ويكفظره اللی ابز بغوسط یکنر از منعنین وزارتمالیه در جریان استوضبات محل ،زیوررضایت يعتش نيست و كما رايورت قطعي الرسد اقدامي بعمل الخواهد امد

> من ملتفت لمبودم علمس كان : - خامل خوب اين ميشد و علمس با تسجب زياد بارن أز أن كلمات كاربخ بمكانيه بقوسط زوز نامه نداشتة أند بلكه عمدية ر وا دو حرف که پېلوی (ت)،(هاش)که خارج از (رېند) سابق فیل را استنباط کرد : یود پکذاریم شیاکلمه های که عکن است اسا مدسی 🛛 ایتدا خانس که به نمره ۲۰ کا کخود را معرف الليجه إدهد (أكو) يمان صدا من باشد المالا منهميد بارن مقصود از الويعني زوزنامه صدای فرانسه است و عیارت (زیند) یعنی جوا ب يده ايند و يا هم مېشود جواب بده در زوزنسامسة مدای قرانسه بادرس شره ۲۳۷ الهمين است كامه معمى كه لوين كا باخر عم ومن تللفت ولي من با هوش خود و از خربت ا و بب-دا

الان هم بارن من از إداره سداى فرانسه مبايم و ثمام وقامع را بتنصيل مُلقفت شده أم يعنى مبدأتم ار نیاطات ارسن اوپن و جمکارش کا چه حد است و

از آجا شروع شده است 🖕 بس هفت شمار، روز ثامه سدای فرانسه را باز در دست دار د رده و هفت خط از آلها استخراج کرد که یک عده كلمات ناقص و أعدا د غر منهوم در إلهما خوانده

مَى نَند الخاضاي كَمَتْكَ إَزْ أَوَسَتْنَ لُوِينَ مَنْ أَمَايَتْهُ وَ لوين موضوع را سؤال مي آند که چيست ؟ بعد خام جواب می دهد که او در تحت اقتدار دشمنی است باسم برسن و اکریکمك او لیایند کلف مبشود المجاهد المجاهد المحاد ی بعد لوین که منوز اردید در دخالت ایستکاز ^۲ دارد اسم و ادرس او وا مي طليد جَالًا بِقَارِبِخ المَاهِ كَنْبِد مِن بِبِنْبِدْ خَامْ جِهَار روز صبر می کند وجواب تدیدهد زمد بواطه تهدیدات ورس تجيور ادرس او را در كرچه موريلو مېدهد یس فردا ارس لوین خبر میدهد که او دربا رك «نصر خراهد پود و تشانه هم ابنکه یك دسته كلینفشه

اينجا باز از روى كاريخ هشت روزى وقايعنى الفاق آمن افتد معلوم مېشود ارسن لوبن بالمدام احتباج

ياساني ملاقات مي نمودند درين مدت نقشه طرح ميشود خانم جراغ بهوديرا مي خواهد يدودد ومنتهاربو ايس کار می ماند که کی پاشد خانم بوسیله خروف مقطمه ان روز را شنیه قرار می دهد و اضافه میکندکه در روزنا.ه اكر شمار. ۲۲۷ جراب بد. روز بكنابه سبح هم ک دودی انفاق افتاده است بارن أز اين اكلشافات هلمس سخت متحجب شده كفت واقعا سحبح است ثمام ابن وقاحع بعسم مربسوط میباشند ملمس دنباله کلام خود را کرفت : تخرب دودى كه الفاق اقتاد ووز يكتديه مبغ خالم إمرون میرود و یلوپن میگوید چه کرده آست و چراغ را هم برای برسن می برد بعد بواسطه جای بله های نردیام و شكستن شيشة ينجره بإبس عم بدل في أفتسم كه دز ی از خارج شده و خانم از سوء ظن راحت میشود . . بارن كنت : - إسبار خوب من أبن وبالنات

هلمس كانت : - أما دودى دوم شرحتى اينست که جون ووزنامها. خبردزدی جراغ بهودی وا انقصار مادقد يكفر هم يخيال افتاد كه كار اورا نكراريكند و أبن دفه فقط بك دودى ساده ايست بارن گفت : - يىنى بن دۇدى راھم لوين ، بردە؛ ا هامس كفت : الله لوين آ نقدر آدم احق اليست که بد بروی مردم خالی کند ایکار کار برشن است که آينجا آمده و رفيق پېچاره من ويلسن را زخنۍ کرد الجاون كانت الا المسبوهالمس شهاخاطرا جمع ستبط ز ابن محبقان بانه ؛ ا هامس درخواب کافت 💷 مَن دليل ايران قو ل لحودم دارم دلبلش ایاست که قبل از آیاسکه این مرد خودش را پکند بله کاندی برای او لوین که هکارش یود. مبنویسد برای آنکه اشیاء دردی شده را در جائی ینهان کند پدلاوه خود آرسن لوین در کمة.یب برسن يوده و ديروز هم كه من ومصبو كاليهار برسن والمتبب م،کردیم یکی دیگرهم سرراه مایپدل شد از در ابن كنفت : - كجا شما يرسن را كمغبب مى منطق شما را قبول میکنم اما دردی درمی را جهمبگوئید ۲ 🕴 سردید ۲

المودة خا.ر هأی مخصوصی در بيرون شهر کا دو فرسیغ خارج از شهر زده قبل از ظهر روز کذشته حجج الملام در سه فرسخی شهر در محکی که قبلا آقای خاجی میرزا مدالوهأب تبيه محدردم يودنك ورودتموده نهار را در انجأ صرف امير لشكر غرب و حکومت ورؤسای در اثر دولتی او سایر طبقات خدمت حجج أسلام رسيدسه يدروب مالده يطرف شهر حركت كرداسد ازدحام جعبت شساكردان مداوس ورمایای اطراف و دمات بالدازد يود محه عيور و مربر معدود إود يروز أحماسات اين يحدى أرشيد كحه اسیاب زحم آقایان فراهم شد و مامورین المطميسه أيواى آسايش آقايان مردمرا يقوه قهريه متفرق مي تمودنسد مقسارن غروب **اً قابان بشهر ورود ا**مودند ان ا

عامراده عضد السلط. و آقاى وزير معارف تيز سبيج روز كذشته إزكرمانشاهان حرکت گرده امشب وارد حمدان خواهند. State of the second second

رضم تمطيل روز كذهله آتايان حجيج أسلام و رود حود عان را يهددان ترسط حجة الاسلام آفاى جاجى المام جمعه خوتى ياقايان علما اطلاع داده و السابل الجار م تز وا جابز بِسَ أَوْ وَسُولَ أَبِنَ خَبِرِ أَتَحَادَيَهِ تَجَسًا رَ مسبيم تمودند كه أز أمروز دكاكين را ياز لموده مصبول كسب وكار خود باعند بالما يبعكارى كل اذربا بجان المحمد

از طرف ریاست وزراناگراف دیل مخابر. الالت جلبه اذربايجان عين دستخت ميارك يندكان اعلبحضرت أقدى مايون شاهتشاهى روحنا غداه را ك داير بر نفويض ببشكا ى كل ملكت اذربا يجان

يجتاب مسلتات اجل اكرم اقاى تسير إلدوله دام اقباله شر فسدور يا فنه است تلوا ايلاغ < جناب اشرف دايس الوزراء مراينموقع

که برادر والا کهر کابکا د ولیمهد بمتد الدماني خود حركت ميكند پر حسب

وبشتهأد وتمويبآن حناباشرف تصير الدوله که از رجال کانی دو ان و اگران خصوص در رجوع خدمات دوالمي إماما التخوب ماده است به پیشکاری کل ملکت آ ذربا جان معن و ایر قرار مقرماتیم که درمه، تیرادر الا كهر عزيمت تموده و انشاءالداما لي دو مرفية خال اهالى مراقيت كامل لعايد كاسترشاى طاطر ها،ون ما از این حبت فرا هم شود مناد دستخط طاع ماركانه را باذ با بجان ابلاغ اما تيد شهردى حسة (١٣٤١) لازم أست مدلول ابن دستخط جالمطاع را باهالي اعلام كنيد . (مشير الدوله)

. الرقات روز كذئته قمل از ظهر وزير المختار الكلبس بهيئت وزراء آمده باآقاى رئيس الوژراء ملاقات الموده و مداي راجع قضبه اقايان علماء مشتول مذاكره يودند The last day to a strike

الجمن تفادر طهران 🕐 از قراری کهمنی میکویند محتمل است روز شنبه هم النجمن نظار معلميل المتوه و یں از تحقیق سلوم شد که اقای وثوق الساطنه هم تعهدى واجع به حضركردن أعضاى البجين تكرده الد با أين كر كيب امی شود فه بد معمای اواستاکات کی و يدنت كي ثمل خواهد شد 👘 👘 کنفرانس کمر کی روز يكشنبه جلسهكنفرانس عقد قراد داء کمرکی بین دولت ایران و روسیه در مسارت وزارت خارجه با حضور تمابندکان روس و ايران كتكيل خواهد شد لحديد اظر در بودجه

قبل از ظهر روز كشته كمبسبون بجديد نطر در يودجه وزارت خارجه يمجويت الفر از رؤ سای سایق وزارت خارجه كشكيل كرديد

فولدول روس

مسبو (اسلار تسکی) ژنرال قولسول ووس حلم برج جاري وارد تبريز شده

حركت إروسيه سيد لصراقة خان شرينعي لماينده

وزارت لمجارت و فلاحت در اکمیوز سیون سكار روز كذشله بقارق رشت خركت لموده حالمي أبرزا على إستر كتساب قرو ش كه پرای خرید و قروس د ر آکیوزسیون مىيىن شده است روز سە شنبە پرشت رفلە رزز شنبه با شقى به بادكوبه خواهند رفت الحركت حكومت ا

اتای مشار الدوله حکمران عربستان خدی فيل استعلى خودشائرا بمقام رياست وزراء لقديم اموده مؤرد قيبول واقمع فكرديده بود اخيرا در تتيجه بانشار ی و استرار اقاى سردار فاخر إستمناى اقاى مثارالدراه مورد قبول وإقع كرديده للكراة يطهران احضار شداد وذروا الأربية المحدور ه تبابشكاء أمتمه وطنى

عصرروز كذشته هبئت رئيسه نبايشكاه ابتمه وطنى درككممية دوآت أحاضر أحجلسه المكيل شد در خمن مداكرات السميم شدك جند دوره تمدرجديد به يادكار افتتاح ليابشكاه امتمه وطنى باكليشه عكس شهر اكسباءان و تخت جستبد و استخر طبع و پرای مختص مدلى در يستخانه استعمال نمايند -

منصوبين جديد مسلر میجل یس از مراجعت اشکیل شعبات الى خطوط شوسة دولتى را زنديل المودة أقابان ذيل رابرياست فى خطوط شوسه منصوب الموداد • مرزا حسينخان مهندس خراسان --

ميرزا عباسخان قم - استهان-طهران اصنيع الوزاره فارس حسبنخان آمير ينجه قزوين ـ وشت

همدان - كرمانشاء - قرمتو آقايان واشتغسكي ازف کی ۔ نکانکیل – ہے۔ مہندسی قزوین رشت - همدان - کرمانشاه- قرملو پرقرار فداد والمحاد والمراجة الم واللهو تعطيلي

يسرجب ايلاغ حصه از وزارت اجارت و قواعد عامة صادركرديده شوداى عالى تجارت نا خهاردهم ماه محرم پواسطه حکرمی هوا كسابل شد

تكميل احصائيه

از وزارت مالیه بهوزارت خارجه مینویسند

سروو و معادت همه فراهم است . سابر حضار فورا محديق م كانند و أشار بسنى از برركان وا هم أهر أين باب مي خواند الله از کتاب و سه سال در آسها و تأليف کنت دوکر پسنو وزير عمار فرالسه درایران (۱۷۷۷ همیری) از البجا أبكه مرسوم است مامورين خارجه يس از مراجعت به علكت خود رايسرت ملیات و وضعیات عل ماموریت خود را لقديم دولت مليوعه خود منى آماينسد و

اليله أن رايراها إراى احسائيه و مطالعات راجم بإيران مذيدتد هي جند تسخه كمدر آن وزار لخانه هست پوزارت مالبه ارسال داريد بس از استقاده دايرة احسانيه اين وزارتخانه سترد خواهد شد A State State State

آقابان ستداران أمربكائي خيال ميكنند مامورين خارجه ما هم مثل مامورين سايس مول ازاين كارها بلدنداليته جواب وزارت الور خارجة از أشلياء بيرونشان خواهد أورد

ازوم' طهب از طرف وزارت ماليه بوزارت مملَّوف و اوقات نوشته هد يا به عرضعالي که رطان شمر يار باين وزارت خاله توديه الد اعز ام بكنفر طيب محم بال حدود لازم

راجع به ورامينهم مدلها احت باينوزارت تجليل القدركذكر داده ميهود وهميعه يوعده میکذرد ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ میکذرد مد اعزاز ا

از وزارت مالية به وزارت در يار مي لويسندكه در دوستر الحير مرجوم مظنرالديين

> السن لوپن مجادا. با (شرلوك هلس) كاليف موريس ليلان

الرجمة : محمد على - كلمنا أبأن

شروع يقدم زدن سرش إيائين و إلى عده مدارى قدم از پنجره های به پنجره دیگر بر میداشت و بعد د و باره ان عمل وا الكرار مبكرد بالاخرميـ مد أز جنديـن یار که اینظور قدم زد در جلوی ایشان ایستاد ه گەت : باد موازل إينجاست ا المارن گان : ۔ بل در باغ با بجه ماست ا هلمی کامت : - این شخیتی که ما یا هدم می حواهیم پکنیم جون قطعی و حقمی است خر ب است ماد موازل هم خشور داشته باشد

بارن كامت : - آيا مديو ؛ • • هلمى كفت عجله لكنيد ممهمو مسبر كنيسد مسن اصالى را كه مبكويم نيام حقبقت را بشيا تشان خواهد داد من مى خواهم كه ماد موازل دمون باشد ال ينهمد

یس بار ن بزنش سوزان کفت که او را ضد ایکنسد الدیزید جراغ را یباورد ورد کند سوزان رفته و بعد از جند دقيقه ماد موازل را أورد ما. موازل کمی رالد و یده وارد شسته پکنا و میزی از م من است همین طور قوطی سیکار و کردن پسه نکبه کرده و ایدا نیرسهد برای چسه او را اخصار يرده الد المنابع المشهد والم هلمس مثل اینکه او را ندید وار د شـد رو پسه ار ن امیل وال کرمہ عبارت ڈیل را کفت : ہمد از چندین روز کوشش و دوند کی کہ آے حد ی تفاريات مها مردد كرده ايودند 'بازهم من جان حرفي 🕴 نكاه مى كردند راکه روزأول بشهازدم نکرارم کنم : خراع پهودیرا یک از اهلی خود اینجا دزدیده امت بارن كان: - اسم معمر جيست على العلمين : 💷 من أو را مي شناسم 👘 بأرن كفت : _ دلايل شما كدآم است هدمس کفت 📪 ـ دلایل من کا فی است که خود أو اقرار كند ارن آفت - کافی است که انها خط هود و افرار کند و ا فکر کنید بابد آن مقصری که باین کرکبب شما کبرش می

حملی کفت : - اکر خراغ بهودی دا میگو ئی ا من ملهم می کلم همان اشبائی که در دفعه دوم از شیا مفقود شد هلمس خیلی خوشش می آمد که این جور مسائل را يَبِكُ وَسَم ساده اى بِيانَ كَنْدُ وأَبِدا ازْخُود لْمَرَيْمَى انهابد الم از ابن صحبت مسلمعين او را خبر ت فر ا كرفت ويدون إلكه حرفى بزنند با جشم العجب بار ہیں ہلمس شروع کردہ جزو پیجزو کیام عملیات

جند روزه خود را بیان کرده اکلشا ف حروف كتاب النيا رفتن بررن يكنارسن خود كص أن ببجاره و بلا خره تزاع آخیر او و آرسن لوین غرق شدن قايق و معدوم شدن لوين را به تفصيل ذكر كرد . وقلى كه ابن ها را كلت بارن با للمجب يسيأ و فکری کردہ گفت خوب حالا مالد کہ شیا ا سم مقصر هلمس كفت : ٢- من آنكس را كم حروف النبا

را جبد، و پوسیله آن کاغذ بارس لوین توشقه است بارن کهت : - از کجا میدانید که طرف مکانیه این شخص آرسن اربن بوده است هلمی در ج.و اب کفت : ـ از طود آر س

ر کار رود خانه بودیم فلط برأسطه بكکار خوشهز كي هویت خودش رأ پس پنهماند آین کاغذ وا از جبیش در آورد آیمن داد و در شمن کا غسد خیس عده راکه درروی آن حروف و لمره توثیته شده بود نشان بارن داد حروف إين بود : ۲۳ ۲ ـ او ۱ م د د ۱ ار ۱۰ ب ۱ او ۱ از ۱ هاش ۱۰۰۰۰ بارن کهت : ۲ خبلی خوب این عین مان حروق است که شما وقتی الرا للدان دادید :

هذمن كفت : - نه ابتسدا در نظر اول خبلي شببه بهم هستند ولى وقتى الرا زيرو رؤ كنى مماينى م بېنى که باهم فرق دارندمنلاخوب دقت کنيد اين فورمول دو حرف از اولى زېدېر دارد يکې اړ و يکې او ، بارد یا دقت نکه کردهٔ کنیت : - ها واقعها

عقايد ديكوان

حضار - مجدداً مترجه ساحب خانه شده با حرکت متر و اشاره بو بگوئید - مثل این-که

و هذاته است أو را قديده ايد . : • إنشأه الله معالج شريف جأق است ؟ • أو هـم

أعيان مي رفت نه انهـــ أز صاحب خاله واقوامش احوال پرسي ميكرد پاــكه أز لمــام

او کر جا می پرسید : حال و دماغتان خطور است ۲ تا از قراول دم در سلوال آمیکرد

که دماغش چاق است سوار آسب ذی شد ، این. مسئله باعث شده بود که مرحوم

دهیته سکوت در مجلس حکمه رما می شود . بعد ساحب خانه سکوت را با پیانات ذیل

خبلی مرید بهدا کرده و اسم او را با احترام زیاد یاد می گردند .

د الحدد قد - از مرحت بند كان عالى جاق احت ا >

په همان کر ټېپ جو اب می دهد :

را سه جهار میانه نکرار کردند .

از اقبال حضرت اجل عالى است ا .

ر کالات بسندیده میشوند

وَ هَي كُنَّ وَا كَهُ دَرَ اطْرَافَ أَوَ اسْتَ خُوْبُ مِي كُنْدٍ ،

ی شکہند :

در موقع دیدن کردن نے پس از احوال پرسی و تمارت مسولی از اسام

در بعضی از مجالس من حاضر بودم که اشخاص خیلی مؤدب آین سئوالات

در منهن المعجبد از مرحوم ۲۰۰۰٬۰۰۰ می کفته وقتی بدیدن یکی آز

خلاصه بدازانكاين قببل ستوالات جندبن مرقبه للمرار و بالاخره قمام شد جند

ه ديروز هوا جندان خوب ايود - امروز پنتة هوا خوب شد - اين هم

شنسی کا متسف بخصائل حبده باند - اطراف او هم دارای اوساف

بنا بر ابن مرجا که حضرت مسلطاب عالی تشریف پرید موجهات بهجت و

كمنام حضار تحديق م كنند . بكي از الها هم م كوبد وجود خوب هر جبز

هَنگام، كه ما دقت خُود رًّا. دوَّ آماطي افكار و ادامه مذا کرات صرف میکنیم اوضاع متدرجا يقدرى وخبتم مبشود كه أصلاح بذير الطواهد يود • ...

المناء عليهذا دولت كمنمهم دادة است که با شرع اوقات اطریات و مجاهدات خود را در حل و تسقیه امور اشاعت داده و الأستار متفقين عم تقاضا شود 6 آلهما لېز ئاسې خېستىمە و ياد دانىلمىما و [ئغاريات خوبش را منتشر سازند . ازاين اقدام بنجها لبان مملوم ومرهن مبكرددكه المدام مشتركه فورى كمال وجوب el elec 🖓 🖓 y 👘 🖓 electron

المحدوكة أيطالى مم يطور كلى بانظريات و بشنهاد های ما موافقت اموده است المعلمي كرزن مفاد بكي أو ياد داشت های جوابیه دولت انکاس را که اخیرا الوشقة أست قمرائ إعيان يبان المود وخلاسه آن از این قرار میباشد :

مصلحت د ر آنست که پیشلهاد دولت T لمان راجع بابن که میزان نوانانی وی در برداخت غرامت کمپن کردد مورد قيول بايد ولى يفرط أ الك كميسيون آمين خرامت فيز در اين افدام شركت جويد مولن آلمان در پیشهاه خود راجع مدادن وثبقه برای ادیه غرامت ذکری از تابت كسردن مبزان مارك و موازنه دادن بودجه خود للموده و با بر ابن وتاثق که وبطنهاد كرده است مكمنى نعى باشد مكر آلکه کلیه امور ما لی آ لمان لحت اختیار وكنترل يين المللى در آبد

در خالمه دسکر شده بود که بهتر ألست فتولت ألمان احكام خود را راجت بسياست إسلقامت منفيه لمنو كرده ومدؤلبت حرابگری های کار کران وا که مانا بر ضد قرالمه ميتمايند أز خود سلب تمايد و حَرْ كَاءَ مُوافعة آيين المُنْبَحْتُ عَمل حَكَنَه فولى كم ناحيه (روم) را تصرف كرده إقد مجددا أوشاع را تحت مطالمه ومداقه در آرود. و وضعیات صفتی آلمان کما فی السابق لجديد خراهد كت

هر باد داشتی هم که بشمیمه بادداشت قوق الذكر لهبسه و يعنوان ملفقين بود ذ کر شده بود لازشت بدون مبین کو الله كملل ونسامع متفاين در اين موضوع مشغول مادل افكار كرداد

بنا بر این دولت انکابس حتی الانکان کوشش خوالهد کرد که قوای ملفقین ژا جم كردة أز قضية را يطور عالاته أحل والصفيه دمایسد . هر کاه بحرایی در این خصوص توليه شاود دولت تاجار عجلس رآ دعوت بالمقاد خواهد تمنزد والمجار والمحا - رأيس الوزراء در خالمه اظهار داغت : المحمد المحمد

دولت. الكابس حتى الامكان مابل و شابق است که دوستی سمیماله وی با فرانسه مستون و محفوظ بماند (ر) . - - (روزی مکدالله) ایس از خانده الطق رأيس الوزراء شروع بنطق المودمو از مديم قلب كصميم دولت را در ادامه باست خود تاميد و نقويب كرده وأز اين كه دولتين فرااسه وبازيك در جراياى خويش ذكرى آزياد دائت دولت أنكليس ننموده يودلد أظهار المحب كرده وكفت أميد وارم عمدی نیرده است . حسیس اظهار داشت : مقصود دولت الكليس از ألفساق و الحاد با ساير دول ممارك ومداخدت أنهأ قسبت يهكديكر أست نه إينكم يكي از انها يجنواهد الموق ومنيات ير دياران داشته باشد - حاليه خيمج آدم ماقلی بادر اس کند مسکه فرانسه برای اخذ غرامت (روهر) را در کمرف دارد بأسكم حدثه أكس مبتدائد فترالسه من بأب العماسات جنكي بدين اقمدوم مسادرت ورزيده است- ي المراجع المراجع الم الم يسازآن (مكداند) ارضاع داخلي فرانسه را يتوضوع بنغت قرآر داده وأظهار دائت که اوضاع مهلکت مربوره بدرجات عديده بهتر از اوضاع داخلى انكلسة ان مباعد الذعصه از اين مسلوم نبحت تداخای غرامت از آلمان ضرورت داشته

تمره اعلان ۱۳۴

باشد و لازمت دوات اقدامات خودرا که مهخورهد در این اب در آلیه يسل آورد أعلام المايد: اسیس انلهار داشت : با وجودمخالفت فرالمه يهر قسمى است بايسق آلمان بمضوبت مجمع الفاق ملل بذيرفته شود ـ در خانه فرات را از الخاذاصيم مثبق در سهاست خود صميما آيىربك کنت (ر) م حدولتين فرااسه و چازيك متنياددآشت های جوابیة خود را بدوان انکایس افاعت

مرد ازاد

وضعيت آلمان و الم الم الم براین .. جرید: (بـق باریزین)اشمار ی دارد که در برلین جند انونومنیل در در کوچه و بازار کردش کرده رساله وجزوه های زیادی که حاکی از سقوط کابپنهو اصدی یك کاینه از حزب کارگر بود در میان مهده مناشر ساختند. 👘 (ب. پ) براین - مجار و ارباب سایع آلیان يميزان صد كرور مارك طلا به بالك آلمان در مقابل اسهام خزاله واكذار كرده أند.

در روسه المراجعة المراجعة المراجعة عمال ساویت چندین افر خاخب منصب وا دستكيركرده اند . علَّت ابن اقدام از قرار مسموع اينست كه زمامداران نظامهم يعامرو کراد آنها را مامور نموده بوده است از كرائدوك نكلا (عمومي ازار) كاما كنيد فرماندهی کل قشون روسیه را در دستگرد ببش أز أصف فدون حضراد أز أوام، أو الحاجة كندن المحالي المحالي جندين المر ساحب منصب ديكرهم از قدون سرخ دستکیر شدة الد . (ب.ب)

خبن مجم بماذم آ قابان دوا فروشان مركز و ولايات اعـ الام مى شود كه نجـ اوت خاله عبد أقد بد زاده سايده كار خانه هاى دوا سازى فراسه در ايران از اين كاريخ به يعد

خود وا برای المجام م توغ فرمایشات حاض تموده و بواسطه دآرا بودن وسایل بزوك و المنصص در اين شيمهائي دواجات المرة أول وارد و ايتيمت إسبار الزل بغروش ميرساند سْنَارِشْ أَزْ نْمَامْ وَلَايَاتْ فَبُولْ وَ يُدُونُ حَقَّ الْبَنْيُ فَوَرَأَ أَوْسَالُ مِيدَارُدْ ضَعْنا خاطر أ تجار عمدة فروش را مستحضر ميسازد كه ابن تجار اخانه سفارشات مستقيم به كار خانه هاى فرانسة أبر قبول في تمايد الم عنوان مراسلات : "طهران عبد الله يد زاره الم الرس الكرافي : طهران صاحب كلفن : بازار المره ٣٧ - عيد الله أيد زاده

10 - 1

ول له امرونه الله الدر ایران خوتهای پای ریخته شد و اشخاص عدالت دوستی خان غزیزخودوا فدای کلمه عدل دودند که ظلم و تدیات سایته از میاف برود و غدل و انساف جانفین

The second starts

او کردد ولی در این مملکت المهجه بمکس بخشیده اکر در سایق اسمی از عدالت پاقیهود T درا هم عدليه حاليه مفقود و تابود لمود این کمینه پس از سه سال زحمت که در محکمه صلح نمود لاجان معلوم لعودهٔ و حکم فقیه وا کژفتم که سه دآنك خانه موروش واقع در محله عودلاجان کذرسرچشمه كوچه ادين أنظام جنب خاله تابب ألوزاره مال خاص و ملك طاق من است و مه دالك

المعدم المحالية المسارة (11

ديكر آن المتقال بهمشيره زاده ام عياسخان كرجي معبن تايب اول أست كه از عمداش زيور خالم ياو منتفل شده است يا شالول حكم ثقيه صلحيه و اصديق إقاى مشار السلطنه وزير عدليه و اقاى أقا شيخ محد يتروجردي مُدعى المعوم إستيناف ابن عمل سا ف ساده را عدليه مجرى أنموذه شيخ جواد تهاوندىباساناد توشئة كه عيغ محد نأم باو دادموعدامه اوراً ود امودة اسياب مواحمت اين ون يبكن و بن مدد كار را قداهم كرده عدايه رفع

مسلح فعلا از اقاى حكيم الملك وزبر عدليه تقاضا ميكم ام اكبدسادرفرمايند موافق مقررات قانونی و عدل و انساف کانله شیخ را از خانه ملکی کمینه و عیا سخان پیرون اموده حکم عدلبه را بموقع اجرا کلیاوند فرنكيس

محمد مقام هنيم وزا رت عدليه اعظم ر

عرض مبشود اكر حكم فنيه در عدليه اجرا في تلوي جليه خليت ابن فقها را در عدلیه و صلحیه می کدارید که خسارت دوات و ملت باشد. و المحمد الم المزة اعلان ١٧٢.

فقلت فكنيك

قرصهای قرك قريك دكتر اپراهيم "خان ظهير الجگماء كه چندين ساني آست مو ارك دادن متقادين المجالد در المام تقاط ابران مموما و دو مركز خموما خد مان غايران المدارى الموده است والمارج وطلوبه ان در ازد موم مسلم و لازم به الجديد سرق لَيْتَ هو المن موقع كه از طرف اوليات دوالردولي حكم البد در ساليه و لرك مودق متادين فريد سادر غدة استاليدًا خاطر معتم إقابن معادين را متذكر ميفود كم بعازي باذك هدادها قرس وارد نعوده طاليع درسراى اليوبعجره ميدزا عبدالرمعين إمتيان أجر همدالى وبجوع فرمايند المحاد ومعاد قماينده قرك الريك دائرظهرا لحلناء سلتان باوسا

عدد اعلان ١٣٤ . ما لی **هزار تومان**

و ما يل ونينة محبح دو مزار تومان قرش دان، م تود م آس مايل است بوسيله إداره مره أزاد شرايط را يعتباد كند قرد اعلان ۲۰ i i v

ار نانی اعلان

شيا را يهوش التي أالدارد ا به يبنبد ما جندر اعلان وا اوزان كردة ابع : صفحه اول يكتران ما دوم و سوم ده شالم 2 مهما (م بيج شاهي 1 پنج ش**اه**ی ^ا

بورس الم الم ال الم الم الم فروش فراتك قران قران الدن VA-A9 لندن مكتوبي ٩٠ ٢٣٤ ٥٥ - ٤٤ 17-170 **ٿيو بور**ك 11 - 00 11 -· تلكراني : JUT +=++14 •Y -بار دس بازيك ¥4 _... 144 -شويس اسالى Y17 - 00 1 L A. اليوبورك 414 ¥1 _ ¥. 799 🖾 🗄 14. -سويس 41. - 40 ش کت مطبعه مذون

افتتاح حملم حیام اواب واقع در ایتدای خیابان خانقاه، که پنج هفته نعطبه ل و مشغول کمبر آن يوديم ابنك كاملا مرمت وأز امروز مجددا أظلاع مبدود . روز های یکننیه و پنجنتیه زنانه و روز های دیکر مهدانه است. - Ing Jak And -

تمناي دوستانه از إقابان محترميكم الكنون عنوان مراسله بنده و(﴿ رَئْبِس مغترابِران) مُوقوم مبداشتند م از این کاریخ به بغد آجای عنوان قوق غنوان شخصی بنده را مرفوم فرمایند . طهران - اسدافد اعتبار زاده از در ایرن ۲۰۱ کے ایک بان کا ایک ایک کی مان میں اور اور ۲ - ۲

یاد داشت های جوایبه دو لتین فر السه و بازیك دوستانه لوشته شد. ایكن در رى

از باد داشت دولت الکلیس حکه در فرق مذكور كتت المعودة يؤد – الخهارات (بالدوين) در مجلس ميموثان مواقسق با میانات کرزن بود که فوقا ذار کردید (ر) 🐨 🗕 الندن ۲ 🗕 (بالدوين) امهوز. در مجلى ميموتان موكدا اظهار داشت : منافسم الكاستان كسمتر از ملافسع و مصالح فرالمه ويلزيك آمي باعد 🗸 ی بهد اثرامی را که اوضاع (رو^عر) بر لمجارت جهان بعثميد اوضيح داده ويبان كرد كه در نقيجه عكمن إحت يا يكلى أوضاع دیکر کون کردیده و یا آلمان برأسطه یاس و نومیدی تسلیم کشته و ناثیر بسیار سوئی

Aling